



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۶/۳۰

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

رودبار خون در میهن!!

حوادث تباه کن آسمانی و زمینی، افغانستان را به سرزمین خون و آتش مبدل ساخته است، دولتمردان طفل مزاج و بی تجربه ما که به فرموده استاد بزرگوار جناب «نگارگر»: «کشورداری را شاهد بازاری ساخته اند»، چنان رشته کار را از دست داده اند که دیده می شود، عنقریب با قوم پرستی و عقده و عناد های شخصی وطن را به چندین پارچه مبدل سازند.

دیدن و شنیدن احوال زار وطن و کشته شدن بی گناهان، بخصوص جوانان نورسیده در اردوی ملی و ساز و بند های آشکار و پنهان دولتمردان هرزه، با بیگانگان، خون از دیده جاری می سازد. این منظومه که به همین مناسبت ها چار سال پیش سروده شده است یک بار دیگر به حیث تکرار حسن تقدیم می گردد.



رودبار خون

ز سالهاست که میهن نشسته در خون است

سرشک دیده هر خانواده گلگون است

سخن ز وحدت ملی بلند گشته، مگر

ز همدلی اثری نیست، جمله واژون است

بلند گشته ز بگوا، ندای سوختگان
تلاطم غم بیحد به رود جیحون است
ز آسمان به زمین رعد و برق می ریزد
به موج غصه فرو رفته دشت و هامون است
ز جهل از خود و بیگانه درد می بارد
تگرگ حادثه ها نیز روز افزون است
گهی ز قهر طبیعت زمین همی لرزد
گهی ز آب خروشان جهان دگرگون است
گهی ز لغزش کوه و گهی ز چاک زمین
فرو رود به دل خاک، هرچه مسکون است
گهی ز معصیت انتحاری طالب
روان به قریه و ده، جویباری از خون است
به غیر جنگ، ز طالب حمایتی مطلب
که قتل عام درین جمع، جزء قانون است
«اسیر» جز غم میهن، دگر سخن نکنی
که بهر ما و تو، این یک کلام موزون است

م. نسیم «اسیر» ۹ جون ۱۴ع، فرانکفورت

